

سیدها دی خسرو شاهی

تشیع و استبداد

* گفتگوئی با سید جمال الدین اسدآبادی
* بوسیله آرتور آرنولد Arthur Arnold

در یکی از مقالات "دکترهما ناطق" اشارتی شده بود به اینکه "سید جمال الدین اسدآبادی" طی مصاحبه‌ای، در یک قرن پیش، که در یک روزنامه چاپ انگلستان درج شده است، برتری اندیشه تشیع را، در اصلاح جهان اسلام، اعلام کرده است... دست یافتن به این مصاحبه در ایران مقدور نشد و کوشش ما در این زمینه به جایی نرسید، چرا که جز "خانمهما ناطق" بقیه کسانی که احتمال میرفت در این زمینه اسنادی داشته باشند! حتی از وجود چنین مصاحبه‌ای اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و از کتابخانه‌های کشور آریامهری! هم که فاقد دوره‌های مجلات و روزنامه‌های گذشته کشور خود ما هستند، طبعاً نمی‌توانستیم توقع داشتن روزنامه یک قرن پیش انگلستان را داشته باشیم گرچه مطالب آن مربوط به ایران باشد.

در سال گذشته، در سفری کوتاه به لندن، همراه یکی از برادران دانشجو به کتابخانه "بریتیش میوزیم" رفتیم، تا بلکه این روزنامه را بدست آوریم، آنجا ما را راهنمایی کردند که به کتابخانه مخصوص روزنامه‌ها:

The British Library, Newspaper Library

برویم.

... و یک روز تمام ، بدنبال این روزنامه گشتیم ، تا آنکه نسخه مورد نظر ، در کتابخانه پیدا شد ، و با لطف مدیر کتابخانه ، که ما را نمی شناخت ولی به عنوان اینسکه یک محقق ، نیازمند آنست ، دوره روزنامه را در اختیار ما قرار داد ، و با زحمت برادر همراه ، فتوکپی آن مصاحبه تهیه گردید ، و اکنون که فرصتی پیش آمده ، به ترجمه و نشر آن اقدام می گردد .

The Reform of Islam : مصاحبه تحت عنوان :

در روزنامه : Pall Mall Gazett چاپ لندن ، مورخ ۱۹ دسامبر

(۱۸۹۱ میلادی ، صفحه ۳ درج شده است .

ترجمه این مصاحبه که برای اولین بار بزبان فارسی منتشر می شود ، علاوه بر اینکه نشر یک سند تاریخی ارزنده ای است ، نشان دهنده عقیده سیدجمال الدین اسدآبادی در برتری تشیع ، در مبارزه با استبداد می باشد و از طرف دیگر ، با مقایسه اوضاع آن روز ، با اوضاع امروز ، تشابه های فراوانی بچشم خواهد خورد . . .



اصلاح در اسلام

بعد از ۵ ماه گردش در ایران ، در سال ۱۸۷۶ میلادی ، من با علاقه تمام ، همیشه ناظر اوضاع سیاسی و پیشرفت آن امپراطوری بوده ام . ایران مرکز یکی از بزرگترین گروه های مسلمانان در آسیاست . ولی در هیچ امپراطوری دیگری ، مقام و موقعیت زنان ، مانند ایران ، پائین و ناراحت کننده نیست . در هیچ کجای دیگر ، استبداد و فشار و اختناق ضد بشری ، اینقدر شدید نیست . دولت ناصرالدین شاه جز استقرار و ثبات ظاهری ، هیچ چیز دیگری ندارد . جز ستم و انتقام ، جز فرمان همایونی و دستسورات استانداران که به اصطلاح آنرا آسمانی هم می نامند ، هیچ قانونی حکمفرما نیست .

در واقع آنچه بنام قانون نامیده می شود ، غیر از یک زورگویی بدون مجوز و یک قانون خلق الساعه نیست . و تصمیمات لازم بوسیله کسانی که به شاه نزدیک هستند ، بیشتر در سایه رشوه اتخاذ می گردد و تنها آنها هستند که می توانند راه حلی برای مشکلات پیدا کنند . هیچ نوع قانونی وجود ندارد جز فرمانهای کسی که قدرت سلطنت در دست

او است ، البته قوانین وحشیانه و شیطانی‌ئی که انسان تا کنون توانسته است آنها را به وجود آورد .

در دومین سفر شاه به لندن ، برای او امکاناتی پیش آمد که یک مصلح ایرانی — پرنس ملکم خان — همراه او باشد . ولی او وقتی دید که شاه همواره به مشورت های افراد کوتاه فکری تکیه می کند ، از مقام سفارت استعفا داد .

آنگاه ملکم خان جنبشی را از محل اقامت خود که در آن از پادشاه پذیرائی کرده بود ، براه انداخت که هدف آن یک انقلاب بدون خونریزی ، نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان اسلام ، می باشد ، بزرگترین وسیله او مجله‌ای بنام " قانون " است که با مراعات اصول اسلامی ، می‌کوشد ، نظریات یک دولت منتخب از طرف مردم را مطرح سازد و یک نظام عادلانه قانونی به وجود آورد . بزرگترین رفیق او جمال الدین می باشد که اخیراً وارد لندن شده و در جستجوی من بوده که هدفها و برنامه‌های او را منتشر سازم و هم‌مدردی خود را درباره مسائل ایران ابراز دارم . جمال الدین دارای اطلاعات فوق العاده ای در باره قانون و اسلام است . او یک سخنران ممتاز و برجسته‌ای در مساجد تهران و استانبول بوده ، و به زبان فرانسه هم خوب مسلط می باشد . او در آخرین سفر ناصرالدین شاه بسوی ایران ، همراه او بوده است . ولی بعد از رسیدن به تهران مورد غضب شاه قرار گرفته است و نمی تواند به آسانی و سلامتی بطرف ایران یا استانبول برگردد . بعد از تعارفات که بطور مقدمه برای اینگونه گفتگوها لازم است ، من از سید جمال الدین پرسیدم :

شؤبشگاه علوم انسانی و معارف فرهنگی

سؤال — بنظر شما ضررها و مصیبت‌هایی که متوجه مردم ایران است ، چیست ؟
 او پاسخ داد: من به یقین می دانم که مردم ایران دارای منابع طبیعی زیادی هستند و بیشتر از دیگر مردم آسیا ، خواهان پیشرفت و ترقی می باشند .

ذوق و طبیعت فلسفی و ادبی آنها ، در اندیشه اسلامی ، نظریات بشر دوستانه کاملی را جای داده است ولی از آمادگی و صلاحیت های آنها ، بوسیله یک استبدادخشن — که هیچ قانونی را برسمیت نمی شماسد ، و مایل است که بطور وحشیانه‌ای مردم را سرکوب کند — بشدت جلوگیری شده است .

این استبداد ظالمانه تمام مردم آزادیخواه را تحت آزار و شکنجه قرار داده است و آنها یا در خود ایران نابود شده‌اند و یا آنکه از ایران خارج شده و مجبور به ترک وطن گشته‌اند .

سؤال: شما با آنها چه روابطی دارید؟

پاسخ: من وابسته به یک نژاد خالص ایرانی می‌باشم و چون دین اسلام یک رشته نیرومندیست ما این خوشبختی را داشتیم که همکاری و همدردی شاهدانگان پوزراء و مجتهدین و رهبران بزرگ مذهبی و همچنین بازرگانان و ارتشیان را به سوی خود جلب نمائیم که آنها در کار نجات دادن مردم ایران با من همراه و همصدا باشند.

سؤال: شما چه پیشنهادی درباره دولت ایران دارید و چگونه می‌توانید در برابر استبداد آن مقاومت کنید؟

پاسخ: بعضی از ارزنده‌ترین و بهترین عناصر طبقات مختلف متحد شده اند که برای حفظ جان و مال مردم بکوشند و امنیت و آرامش را بدست آورند، و یک حکومت صالح و قابل پذیرش بوجود آورند و من در اینجا - لندن - بعنوان نماینده آنها سخن می‌گویم و حقایق را فاش می‌سازم. و امیدوارم که افراد انسان دوست و خیرخواه، از هرگونه کمک اخلاقی بآن مردم تحت ستم و فشار، خودداری ننمایند. با این کمک اخلاقی ما امیدواریم که مردم ما بتوانند اصلاحات لازم را انجام دهند و حقوق خود را بدست آورند. و این حکمرانان ستمگر در کشور ما مجبور شوند از فشار و اختناق وحشیانه خود دست بردارند.

سؤال: بنظر شما چگونه یک روح آزاد و جدید را می‌توانید در اسلام پیاده کنید؟

پاسخ: روح اصلی قرآن کاملاً با آزادیهای جدید هماهنگ می‌باشد. اختلافات و تعصب‌های فرقه‌ای در نتیجه افزایشها و تفسیرهای جاهلانه بوجود آمده است. اکنون پیشرفت؛ نتایج این اشتباهات گذشته را آشکار نموده است. روی همین اصل یک مسلمان تحصیل کرده و دانشمند که با اصول آزادی اروپا کاملاً آشنا باشد، می‌تواند این حقایق را با استناد به قرآن به مردم خود برساند و دچار مشکلاتی که "لوتر" با آنها مواجه گردید، نخواهد شد.

سؤال: این اصلاحاتی که شما در نظر دارید، از نظر شاه و مشاورین موجودش با چه واکنشی روبرو خواهد شد؟

پاسخ: تجاوزها و زشتیها که استبداد غیر محدود در مدت حکومت ۴۵ ساله خود داشته است صلاحیت‌های معنوی و مادی شاه را کاملاً از بین برده است دیگر هیچگونه مسئولیتی برای اعمال شخصی او وجود ندارد. افراد کوچک و جوان بی تجربه دور او را گرفته‌اند و او هم به آنها علاقمند است و آنها توانسته اند که شاه را آلت خواسته‌های جاهلانه و غیر اخلاقی خود قرار دهند.

این گروه طبعاً با هرگونه حکومت توأم با قانون و نظم مخالف هستند، ولی وزراء

و اشخاصی محترم و صالح بطور عموم، خواستار اصلاحات هستند. و بعضی از آنها مورد خشم قرار گرفته‌اند و چون درباره اصلاحات سخن گفته‌اند در معرض خطر قرار دارند.

سؤال: آیا اصلاحات در بین شیعه مشکل‌تراز اصلاحات در میان سنی‌ها نیست؟

پاسخ: چون اصلاحاتی که من می‌خواهم، باید طبق قرآن باشد، وضع هر دو فرقه اسلامی، تقریباً یکسان است ولی چون مانع بزرگ پیشرفت استبداد بوده و یکی از اصول اساسی شیعه اینست که هر نوع سلطان و حکمران غیر اسلامی، غاصب است و روی همین اصل، اصلاحات و از بین بردن استبداد در میان شیعه آسانتر است.

سؤال: آیا پیشنهاد‌های شما تمام اسلام را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟

پاسخ: بلی همه فرقه‌های اسلامی، با وجود پاره‌ای اختلافات، یک واحد هستند که هرگونه اصلاح صمیمانه و راستین در یکی از ملل اسلامی، حتماً در میان همه مسلمانان اثر خواهد گذاشت و چون مردم ایران بیشتر مایل هستند که اصول آزادی و تمسکین جدید را بدست آورند و قدرت زیادی برای نشر این اصول دارند، لذا هر نوع اصلاحی که در ایران پیاده شود، در سرتاسر جهان اسلام تاثیر خواهد بخشید.

سؤال: مطالعات شما در مصر و هندوستان چگونه بوده است؟

پاسخ: مصر در همسایگی و تحت کنترل اروپا است، صلاحیت خود مختاری و اداره خود را دارد و تسلط شما - انگلیسی‌ها - بر قبرس ضمانت کافی برای آزادی مصر است و تحت کنترل قرار دادن این کشور برای انگلستان هیچ فایده و اثری ندارد، غیر از اینکه ملت مسلمان را نسبت به انگلیس بدبین سازد.

مصر دروازه مکه است و یکی از مراکز مسلمانان است. و بدین جهت تحت کنترل داشتن آن، موجب ناراحتی در ترکیه می‌گردد، و اگر چه دوستی ترکیه خیلی برای شما استفاده ندارد، ولی دشمنی با ترکیه هم ممکن است عواقب وخیمی داشته باشد.

درباره هند من بهتر از دیگران می‌دانم که تمایل و خواست درونی آنها چیست؟ هندیها می‌گویند با وجود مدت طولانی حکومت انگلیس، چیزی که از آنها دیده شده این است که انگلستان کشور پیروز و آنها مردمی مغلوب و شکست خورده هستند.

تمام امور اداری بر این حقیقت پایه‌گذاری شده، در صورتیکه چنین اموری نباید بدون اساس باشد، و اگر این وضع اداره امور، تغییر یابد، در شبه قاره هند ۲۵۰ میلیون نفر دیگر دشمن انگلیسی‌ها نخواهند بود.

سؤال: نظر شما درباره آینده ایران چیست؟

پاسخ: اصلاحاتی که در ایران می‌خواهیم، خواسته بهترین وزراء و علماء کشور است و خواست همه طبقات اصیل محترم ایران نیز هست. و اگر این اصلاحات عملی

شود، ایران وارد عصر جدیدی خواهد شد. و خواهد توانست استقلال خود را حفظ کند. اما اگر یاس و ناامیدی فعلی ادامه یابد، مردم خودشان تحولاتی را آغاز خواهند کرد که نتیجه آن به هیچوجه مورد پسند انگلستان نخواهد بود.

سؤال: عقیده مردم ایران درباره انگلستان چیست؟

پاسخ: به مردم ایران چنین گفته شده بود که انگلستان حافظ آزادی و اتحاد و استقلال ایران است و از زمان پیش عقیده داشتند که علاقه انگلستان برای پیشرفت و بهبودی اوضاع ایران است و همین کار برای تغییر سیستم استبدادی است که آنها را نابود می سازد.

ولی اخیرا ناراحتی‌هایی به وجود آمده و مردم ایران دیدند که بعضی از آژانس‌های انگلیسی با خائینی متحد شده اند، و این خائنین برای آژانس‌های انگلیسی کار می‌کنند و راههای جدیدی برای استبداد ارائه می‌کنند، این وضع مردم را عمیقاً ناراحت کرده که بجای اتکاء به انگلستان در تلاش کمکهای دیگری باشند.

نمونه ستون اول مصاحبه سید در روزنامه انگلیسی

THE REFORM OF ISLAM.

AN INTERVIEW BY MR. ARTHUR ARNOLD.

SINCE my five months' walk through Persia in 1876 I have always regarded the progress and politics of that empire with interest. It is the seat of the great Mahommedan schism; it is the only Mahommedan empire which is entirely seated in Asia. In no other empire is the position of women so unfavourable, and in none is absolute despotism less tempered with humanity. The Government of the Shah has no virtue but that of stability, and beyond the self-will of his Majesty and his governors the law is the cruel and vengeful code of so-called religious maxims. Indeed, that which passes by the name of law is the arbitrary and accidental, or more likely the bribed, decision of the man in authority nearest to the Shah to whom the complainant can get access. There is no law but that of the man who has, or thinks he has, more of the Imperial power than another, and in his hands are the most barbarous punishments which the fiendish ingenuity of mankind has ever invented.



THE SHEIKH DJEMAL-ED-DIN.